



Negative Behavior in the Belief-Moral Health from the Perspective of Allameh Hassanzadeh Amoli

Mohammad Javad Roudgar^{1*}

1- Professor at “Mystic Department” in Research Institute for Islamic Culture and Thought (iict)

***Corresponding Author:**
Mohammad Javad Roudgar
Professor at “Mystic Department” in Research Institute for Islamic Culture and Thought (iict)

Email:
Dr.mjr345@yahoo.com

Abstract

The inferring, rather referring to the Sulūki logic and school of Allameh Hassanzadeh Amoli and its expression and explanation, have a particular scientific and practical importance and necessity. This study aimed to provide a descriptive report based on the method of citation, observation, and inference with corresponding, explicit, and implied implications of Allameh's thoughts and works. This is because in Allameh's sulūki geometry, negative and positive sulūk in a systematic and interwoven manner lead the monotheism salek to the home of purpose and the ultimate goal of knowledge and spirituality; as a result, he reaches the position of complete annihilation and then the heart intuition of the God's Beauty and Face. Health in mystical moral conduct in the words and deeds of Allameh Hassanzadeh Amoli has various signs, such as negative signs of health in the field of beliefs, the rejection of doubt, suspicion, and polytheism, and in the field of ethics, the rejection of carnal tendencies, such as lust, belly, and fame-seeking, in addition to the disclaimer of the desire to sin and escape from religious and moral sins (sulūki dignity). More important than the mentioned cases in the process from sulūki to intuition is the denial of selfishness, having non-godly motives during sulūki stations and the levels corresponding to each station, avoiding the excluded ones of the intuitive sulūki, avoiding non-Sharia and non-Valiyah conduct and in other words (positive expression) sulūki care in all stages and levels of spiritual health. Negative conduct during positive conduct is the infrastructure of achieving existential perfections, spiritual authorities, and occult conquests, which has stages and levels firstly, and secondly, some requirements, such as accepting Velayet and constant self-care.

Keywords: Allameh Hassanzadeh Amoli, Mohammadi Sharia, Moral health, Negative sulūk, Self-Care

► **Citation:** Roudgar M J. Negative Behavior in the Belief-Moral Health from the Perspective of Allameh Hassanzadeh Amoli. Religion and Health, Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli 2023: 53-66 (Persian).



سلوک سلبی در ساحت سلامت اعتقادی - اخلاقی از منظر علامه حسن زاده آملی

محمد جواد رودگر^{۱*}

چکیده

اصطیاد و استنباط و بلکه استناد به منطقی و مکتب سلوکی علامه حسن زاده آملی (رض) و بیان و تبیین آن از اهمیت و ضرورت علمی و عملی خاصی برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر گزارش توصیفی تحلیلی با تکیه بر روش استنادی، اصطیادی و استنباطی با دلالت های تطابقی، تضمینی و التزامی از اندیشه و آثار علامه است، زیرا در هندسه سلوکی علامه، سلوک سلبی و ایجابی بصورت منظومه ای و درهم تنیده سالک توحیدی را به سرمنزل مقصود و غایت قصوای معرفت و معنویت سوق و سیر می دهند تا به مقام فنای تام و آنگاه شهود قلبی جمال رب و وجه الله نائل گردد. سلامت در سلوک اخلاقی عرفانی در کلام و کردار علامه حسن زاده آملی نشانه هایی دارد مانند: نشانه های سلبی سلامت در ساحت اعتقادات سلب شک، شبهه و شرک و در ساحت اخلاقیات سلب گرایش های نفسانی مانند شهوت، شکم و شهرت طلبی، افزون بر آن سلب میل به گناه و گریز از گناهان شرعی و شأنی (شأن سلوکی) است و مهمتر از موارد یادشده در فرایند از سلوک تا شهود نیز عبارتند از: سلب خودگرایی، انگیزه غیر خدایی داشتن در طی منازل سلوکی و مراتب متناظر به هر منزل، دوری از نامحرمان سلوکی شهودی، اجتناب از سلوک غیر شرعی و غیر ولایی و به بیان دیگر (بیان ایجابی (مراقبت سلوکی در تمام مراحل و مراتب سلامت معنوی. سلوک سلبی در طول سلوک ایجابی زیرساخت نیل به کمالات وجودی، مقامات معنوی و فتوحات غیبی است که اولاد دارای مراحل و مراتب و ثابا الزاماتی مانند ولایت گرایی و مراقبت نفس دائمی است.

واژه های کلیدی: سلامت اعتقادی-اخلاقی، سلوک سلبی، علامه حسن زاده آملی،

مراقبت نفس

۱- استاد تمام گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

* مؤلف مسئول:

محمد جواد رودگر

استاد تمام گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

Email:

Dr.mjr345@yahoo.com

◀ **استاد:** رودگر، محمد جواد. سلوک سلبی در ساحت سلامت اعتقادی - اخلاقی از منظر علامه حسن زاده آملی. دین و سلامت. ویژه نامه علامه حسن زاده آملی ۱۴۰۲: ۶۶-۵۳ (فارسی).

مقدمه

بیان مسأله

سلوک الی الله تا شهود وجه الله و مظهر جمال و جلال الهی شدن، "سیر" و "طیر"ی طلب می کند که آگاهی انفسی، آگاهی درونی و اراده محکم همه جانبه می خواهد تا سالک منازل سلوکی را به فتوحات معنوی ختم کند که "خِتَامُهُ مِسْکٌ" (۱) و این آغاز سلوک به سرانجام وصول رسیده و "وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ" (همان) که ترجمه عینی این تجربه معرفتی، شهودی و وجودی را می تواند در حیات طیبه علامه حسن زاده آملی درک و دریافت کرد. او که مصداق باهر: "فِي الْأَرْضِ مَجْهُوْلُونَ وَ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفُونَ" (۲) بود. عنوان سلوک سلبی برگرفته و الهام یافته مطلبی متین و سخنی سدید از علامه حسن زاده آملی است که نوشته اند: "الهی! همه گویند بده، حسن گوید بگیر" (۳) و شرح و بیان نکته نغز و پر مغز علامه را می توان در سخن صائب استاد شهید مطهری (رض) ملاحظه کرد که فرمود: "یکی از بزرگان چه نکته خوبی می گفت که ما همیشه وقتی دعا می کنیم به خدا می گوئیم خدایا به ما بده، هیچ وقت دعا نمی کنیم خدایا از ما بگیر، در صورتی که ما به این دعا بیشتر احتیاج داریم. تا این هائی که از ما باید بگیرد از ما نگیرد هیچ چیز قابل دادن نیست. ما باید بگوئیم خدایا حب جاه و مال را از ما بگیر، این حسادتها را از ما بگیر، این کینه ها و عقده ها و این کدورتها قلبی و این شک ها، این شرک ها و این کبرها را از ما بگیر" (۴). حقیقت سلوکی بیان شده را می توان با سه مؤلفه: الف) تذکیه عقل یا فطانت و هوشمندی خردگرایانه (که توسعه فکری، خرد ناب، عقلانیت اسلامی ره آورد آن است) تذکیه نفس (که سلوک اخلاقی - عرفانی نتیجه اش خواهد بود) و ج) تضحیه نفس تضحیه نفس یا قربانی و فدا کردن خود برای خدا (که جوهر سلوک الی الله و گوهر عرفان عملی یعنی نیل به مقام فنای فی الله و فنای در فنا است) تجربه علمی و عملی کرد و مگر عرفان عملی چیزی غیر از این واقعیت و حقیقت است؟ بطور قطع غیر از این نیست و

امیرالمومنین علی (ع) در فقره پایانی مناجات شعبانیه به همین رهایی از ماسوی الله و مواجهه سلبی با غیر خدا در سایه نور ابتهاج الهی و عرفان به حقیقه الحقایق فرمود: "الهی وَالْحَقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَهْجِ، فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا، وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا، وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ" (۵) و معنای "قلب سلیم" (۱) «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» امام صادق (علیه السلام) در پاسخ سؤالی پیرامون این آیه فرمود: «القلب السليم الذي يلاقى ربه و ليس فيه احد سواه» «قلب سلیم، قلبی است که خدا را ملاقات کند در حالی که غیر از او در آن نباشد» (۸ / ۹) نیز همین است و دیگر هیچ، زیرا غیرت حق تعالی نمی گذارد عاشق او در گرو معشوق دیگری باشد و خدا "غیور" است و غیر را بر نمی تابد... آری شراب ظهور عشق به حق تعالی، ماسوای او را شستشو دهد و "طهرهم عن كل شئ سوی الله إذ لا طاهر من تدنس بشيء من الأکوان إلا الله" (۶) و رک: ۷) (از امام صادق (ع) نقل شده است: این شراب، جسم و جان آنان را از همه چیز، جز از ذات پاک و بی همتای خدا، پاک و پاکیزه می سازد؛ چرا که تنها ذات پاک خدا و یاد و نام او است که انسان را از آلوده شدن به پاکی ها و نارواها باز می دارد. (۶ و رک: ۷) صورت گیرد و این می شود موحد محض. این موحد محض چیزی را با خدا نمی خواهد، هر چه را اگر بخواهد در راه خدا می خواهد.

ای انسان! اسیر محیطی که در آن متولد شده ای نباش، اسیر خشت و گل نباش. انسان باید برای خود این مقدار آزادی و حریت و استقلال قائل باشد که نه خود را اسیر و زبون منطقه و آب و گل کند و نه اسیر و زبون عادات و عرفیات و اخلاق زشتی که محیط به او تحمیل کرده است باشد. «الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ» مهاجر کسی است که بتواند از سیئات، بدی ها، پلیدی ها، زشتی ها و صفات بد جدا شود. هجرت یعنی جدا شدن از زشتی هایی که بر انسان احاطه پیدا کرده، آزاد کردن خود از پلیدی های مادی و معنوی که بر انسان احاطه پیدا کرده است" (۱۰) به تعبیری دیگر از علامه: "آنهايي که مواظب هستند و کتاب وجود خودش را با حروف باطل،

در خصوص اهمیت و ارزش این کلمه نوشته اند: "در روز رستاخیز هر کار نیک سنجیده شود، جز گواهی دادن به لاله الا الله که آن را در ترازو نهند، چه اگر در ترازو رود، آسمان ها و زمین های هفت گانه با وی برابری نکنند. (کنایه از این که ثواب این کلمه را نهایت نبود، به شمار نیاید و هیچ چیز هم سنگ او نگردد)". که ترکیبی از سلب و ایجاب است، سلوک در مشرب سلوکی علامه نیز ترکیبی از سلب و ایجاب است، اگرچه علامه در اوج معرفت و معنویت سلوکی اش نوشته اند: "الهی از گفتن نفی و اثبات (لا اله الا الله) شرم دارم که اثباتیم؛ "لا اله الا الله" را دیگران بگویند و "الله" را حسن" (۳) یا نوشتند: "من الله الله گویم، اگرچه لاله الا الله گویم" (همان، ص ۱۵) که مفاهیم اخلاقی - سلوکی تخلیه و تحلیله در پرتو تجلیه نیز بیانی دیگر از آن خواهد بود و در این مفاهیم مرحله ای نیز تخلیه تقدم رتبی بر تحلیله دارد. همانطور که علامه فرمود: "شکار کردن معارف و حقایق بدون تصفیه و تزکیه و تخلیه و تحلیله ممکن نمی شود. نیک بخت آنکه کتاب وجود خود را مواظب باشد و کلمات هرزه در این دفتر الهی ننویسد و این صنعت و کارخانه الهی را حفظ بنماید تا درست حروف چینی شود و نقش بگیرد و درست معارف را کسب کند" (۷) اکنون مسئله بنیادین نوشتار پیش روی این است که آیا می توان سلوک سلبی را در منظومه فکری علامه از حیث نظری و هندسه سلوکی علامه از حیث عملی اصطیاد و استنباط و حتی استناد کرد؟

سلوک سلبی در ارتباط منطقی و نظام مند با سلوک ایجابی تمامیت و کمال سلوکی سالک را تشکیل داده و او را در منازل سلوک تا شهود تحت پوشش قرار خواهد داد و هندسه تدبیری - تربیتی سالک را بصورت منظومه ای تعیین و تأمین می کند، از این جهت سلوک سلبی را می توان در یک ساختار منطقی و هندسه معرفتی بهم پیوسته در ساحات و سطوح سه گانه کلی و کلان ذیل تعریف و تنظیم کرد: الف) ساحت بینشی سلوک سلبی ب) ساحت منشی سلوک سلبی و ج) ساحت کنشی سلوک سلبی

هرچه که باشد، نمی نگارد، ایشان در این زمینه رستگارانند" (۷) و "نیک بخت آنکه کتاب وجود خود را مواظب باشد و کلمات هرزه در این دفتر الهی ننویسد و این صنعت و کارخانه الهی را حفظ بنماید تا درست حروف چینی شود و نقش بگیرد و درست معارف را کسب کند..." (۷).

بنابراین انسان سالک کوی کمال مطلق لازم است در صدد پاکسازی و نزهت تزکیه نفس برآید و طهارت ظاهری و باطنی یابد تا سنخیت وجودی با آن پاکان مطلق که مصداق اتم و اکمل «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» (۱) هستند، پیدا نماید چنان که پیامبر اعظم (ص) فرمود: «دَم علی الطهاره یوسع علیک الرزق» (۱۱). یعنی پیوسته به طهارت باش تا توسعه رزق پیدا کنی و این رزق در درجه اول رزق معانی، معارف و حقایق و قرب الهی است که یکی از آنها اعتلای به فهم خطاب محمدی (ص) و شناخت و شهود حقایق قرآنی و معالم نبوی، علوی و ولوی است (ر.ک: ۷): "والتبه مراد از روزی، روزی انسان من حیث هو انسان است، چون روزی حیوان برای همه هست..." (ر.ک: ۷) و به تعبیر اصحاب اخلاق و عرفان: تجلیه، تخلیه، و تحلیله می طلبد تا انسان به مقام فناء آن هم فنای فعلی، صفاتی و ذاتی برسد (ر.ک: ۱۲ / ۷). این است که امام صادق (ع) در وصف روح مومن فرمود: "ان روح المؤمن لاشد اتصالاً بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها" (۹) که به تعبیر استاد علامه حسن زاده آملی "لاشد اتصالاً" این مقام، مقام وصول است (۱۲) و (ر.ک: ۷) تا لذت دیدار دوست و شهید شهود حق سبحانه و لقاء رب را تجربه نماید و در همین جهان غرق در معارف ربوبی و لذت معنوی، عقلانی و عرفانی شود (ر.ک: ۱۳). آری سلوک سلبی در مقام "معراج تحلیلی" یا عروج در قوس صعود کاربست وافر و وافی داشته و در "معراج عود" یا بازگشت به سوی خلق و یا سفری از حق به سوی خلق جهت استکمال و تربیت نفوس مستعد نیز کارآمدی خاص و کارکرد فراوانی خواهد داشت (۱۴).

سلوک سلبی از جهتی تقدم رتبی بر سلوک ایجابی دارد و شبیه به کلمه طیبه توحیدی "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" (علامه



تماشای آثار و خصوصیات منازل و مراحل بین راه و در مجموع به معنای حرکت سالک از عالم طبع و کثرات و رفتن به سمت معرفت الله و عالم خلوص و وحدت و رهایی از تعلقات مادی است (ر.ک: ح ۱۹ / و طوسی، ۱۳۶۱، ص ۵، و ص ۱۰۱) جالب این است که علامه حسن زاده آملی نیز به نقل از بزرگان حکمت و معرفت چنین آورده اند: «سلوک عبارت از سیر الی الله، و سیر فی الله است، سیر الی الله نهایت دارد، اما سیر فی الله نهایت ندارد، یعنی سلوک عبارت از رفتن است، از اقوال و افعال و اخلاق بد، یا اقوال و افعال و اخلاق نیک و از هستی خود، به هستی خدای، چون سالک با اقوال و افعال و اخلاق نیک ملازمت نماید، انوار معارف بر وی ظاهر می گردد و حقایق اشیاء گاهی بر وی منکشف شود و از هستی خود بمیرد و به هستی خدای زنده گردد» (۲۱). بنابراین سلوک، حرکت از مقامی به مقام دیگر و از حکمی به حکم دیگر تا جایی که انسان به مراتب عالی معنوی و کمال حقیقی نائل گردد. ناگفته نماند که اگرچه سیر و سلوک، یک حرکت باطنی و ترقی در مراتب قرب به خدا به حساب می آید، اما پرداختن به ظاهر نیز در سلوک، مورد توجه عارفان بوده است؛ چنانکه کاشانی در کتب خویش بدان تصریح کرد (۲۲). در دانش زیست شناختی تبیین و ثابت شد که حشرات برای تجربه زندگی های متکثر و متنوع باید شکافتگی و شکفتگی را پشت سر گذاشته و از «عمق هستی» متحول شوند. تحولی وجودی و ذاتی که به «دگردیسی» موسوم است. دگردیسی که در پرتو حرکت «جوهری اشتدادی» حادث و در سایه «تجدد امثال» حاصل و آنگاه در ظل «حرکت حبی» تشخیص می یابد (ر.ک: ۲۳) (درخصوص فهم هرچه بهتر حرکت های سه گانه جوهری، تجدد امثالی و حبی) که به تعبیر علامه: «و همه در حرکت، از حرکت حبی تا حرکت طبیعی که «کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ» (۱) - «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (۱) - «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» (۱) (۲۴). جالب این است که سیر و سلوک با سه عنصر: سالک، مسلک و مسلوک الیه مواجه است تا سلوک با هدف نیل

هدف از پژوهش حاضر، گزارشی توصیفی از سلوک سلبی در ساحت سلامت اعتقادی - اخلاقی با تکیه بر روش استنادی، اصطیادی و استنباطی با دلالت های تطابقی، تضمینی و التزامی در اندیشه و آثار علامه است.

مواد و روش ها

این مطالعه یک پژوهش تحلیلی-محتوایی است که به منظور تحقیق و تحلیل "سلوک سلبی در اندیشه و آثار علامه حسن زاده آملی (رض)"، در قالب منطق استنادی، استنباطی و اصطیادی انجام شده است. قلمرو بررسی شامل قرآن و منابع تفسیری، روایات اسلامی شیعه، منابع کلامی و فقهی شیعه و نیز مقالات منتشر شده است.

یافته ها

تبیین مفاهیم کلیدی یا مبادی تصویری نقش اساسی در تبیین محتوایی سلوک سلبی و پیشگیری از مغالطات نظری و عملی، مغالطه های لفظی و معنوی و اشتباه و تشابه معرفتی در این زمینه خواهد داشت. بنابراین در مسئله مورد تحقیق، به بیان و تبیین اجمالی دو مفهوم محوری سلوک و سلوک سلبی می پردازیم:

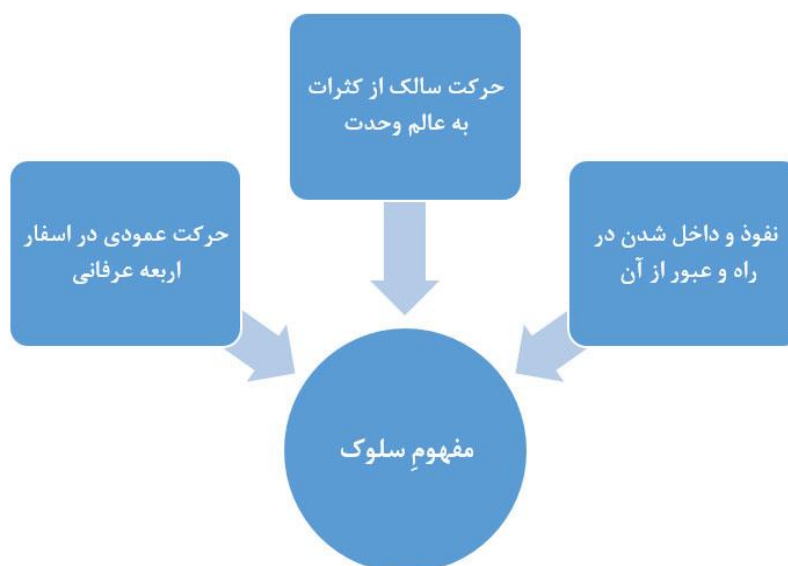
سلوک

در تبیین و تعریف سیر و سلوک عرفانی بایسته است از دو منظر لغوی و اصطلاحی بدان پرداخته شود. سیر و سلوک را در لغت چنین معنا کرده اند:

واژه سیر در لغت مصدر است و از ریشه «سار» به معنای حرکت کردن در مسیری است (۱۵). واژه سلوک نیز از ریشه «سلک» به معنای نفوذ و داخل شدن در راه و عبور از آن است؛ راغب در مفردات می نویسد: «السُّلُوكُ: التَّفَاذُ فِي الطَّرِيقِ، يُقَالُ: سَلَكْتُ الطَّرِيقَ» (۱۶)؛ برخی دیگر از لغویون نیز همین معنا را بیان نموده اند (۱۷ / ۱۸)؛ بنابراین می توان گفت معنای لغوی ترکیب عطفی سیر و سلوک ورود و حرکت در مسیری و طی کردن آن است.

اما در اصطلاح سیر و سلوک یک اصطلاح عرفانی است و سلوک به معنای پیمودن راه، و سیر، یعنی





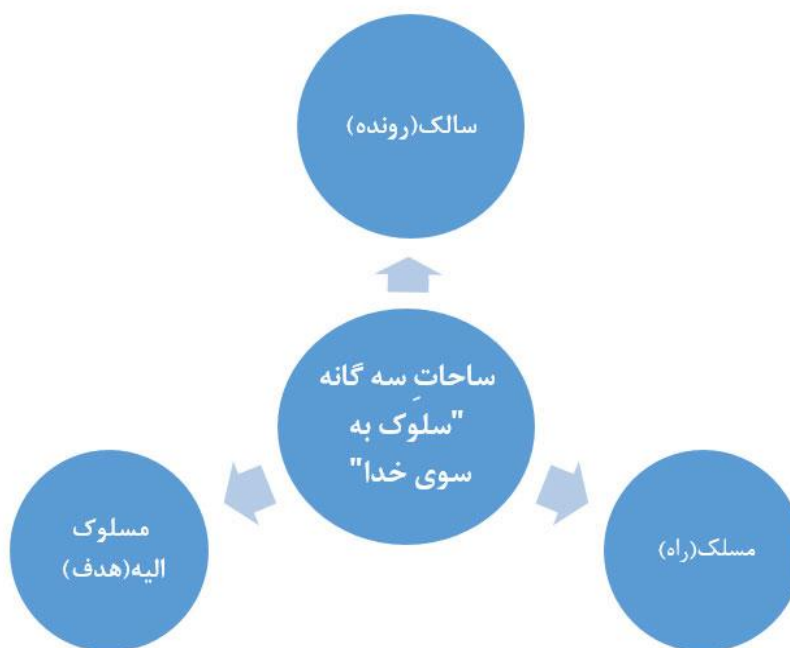
۹۱

متعارف و در اخلاق متعالیه توحیدی، عبودی و حبی مبتنی بر نظام اسمائی قابل تبیین است و آنچه از علامه حسن زاده آملی در کتاب حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی در قالب دو نامه، ده مقاله و یک خاتمه و برخی مباحث اخلاقی دیگر از سنخ اخلاق عرفانی و از جنس اخلاق سلوکی است که اباحت توحیدی، خلوص، علامات و اوصاف مومنین، تربیت و تهذیب نفس ناطق، اخلاق فاضله، فراغت از شواغل و موانع جسمانی عالم طبیعت،

به شهود محقق شود که نمودار بالا نشان دهنده عناصر یاد شده هستند.

سلوک سلبی

سلوک سلبی به معنای سلب اعتقادات تقلیدی، ظنی و ممزوج با شک و شرک معرفتی از یک سو و از دیگر سو سلب اخلاقیات منفی و مذموم مانند عجب، تکبر، غرور، حسادت، خیانت به امانت، بی وفایی و سایر ردائل اخلاقی



اعتقادات (بینشی - نگرشی و معرفتی)

سلامت سلوکی در ساحت اعتقادات مثل: سلب شک، شبهه و شرک یا شک، شبهه و شرک زدائی و تبدیل شک به یقین، شبهه به شفافیت و شرک به توحید با همه مراتب شک و شرک در سیر سلوک با هدف نیل به توحید علمی و عینی. چنانکه امیرالمومنین علی(ع) فرمود: "لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا وَ يَقِينَكُمْ شَكًّا إِذَا عِلْمُكُمْ فَأَعْمَلُوا وَ إِذَا يَقِينُكُمْ فَأَقْدُمُوا: علم خود را به مثابه نادانی و یقین خود را به مثابه شک قرار ندهید، تا در دانایی عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید(۲) به تعبیر علامه حسن زاده آملی: "ارزش انسان به معارف است، پس بهترین ظرف های علم - یعنی نفوس انسانی - آن ظرفی است که گنجایش آن بیشتر است، چنان که حضرت مولا علی علیه السلام با شاگرد نامدارش کمیل - رضوان الله تعالی علیه - فرمود: "یا کمیل! ان هذه القلوب اوعيه، فخيرها اوعاها" یعنی ای کمیل! این دل ها ظرف ها هستند، پس بهترین آنها آن دلی است که ظرفیت و گنجایش او بیشتر است" (۲۵) علامه حسن زاده آملی فرمود: "عارف حسرت از دست رفتن چیزی جز یاد خدا را نمی خورد؛ زیرا جز خدا را نمی بیند؛ و برای امور دیگر که فانی اند، متأسف نمی شود: "كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ" (۲۶).

علامه حسن زاده آملی فرمود: "نفس را عادت ندهید که خلاف فکر کند و خلاف بیندیشد و دروغ بگوید، ولو به مطایبه باشد، زیرا به همین اندازه که به خلاف گرایش پیدا کرد، در کارش و خوابش اثر میگذارد، و خوابهایش پریشان میشود و هرچه افکار آلوده شود، و انسان نیت کج و معوج داشته باشد، در وی اثر میگذارد" (۷) یا نوشته اند: "آن که در صقع ذات خود با تمثالات ملکی همدم و هم سخن نباشد باید با چه اشباح و خیالات هم دهن باشد؟! (۲۷) و فرمود: "چنگ زدن به عالم طبیعت و فرو رفتن در آن، که عالم کثرت و اختلاف است مبدل به حایل و حجاب میگردد" (۲۸) و در مقام گفتگو فرمود: "هر کسی وظیفه اش این است که باید

سعادت حقیقی، لذات روحانی، اشتیاق به خدا، احسان به خلق و امور اجتماعی مورد توجه دقیق و عمیق استاد علامه حسن زاده قرار گرفتند.

از سوی سوم نیز سلوک سلبی متناظر به احکامیات یا شریعت به معنای خاص مورد عنایت علامه حسن زاده بود و علامه به عدم ارتکاب گناه شرعی و محرمات به عنوان زیرساخت سلوک و انجام واجبات و کسب رزق حلال به عنوان مبنای سلوک الی الله توجه داشتند. بنابراین سلوک سلبی در حوزه های کلان سه گانه بهم پیوسته یعنی حوزه اعتقادی (بینشی)، اخلاقی (منشی) و احکامی (کنشی) بارمعنایی و مصداقی مخصوص به خود را خواهند داشت.

ساحات و سطوح سلوک سلبی

سلوک از ساحات متکثر بینشی - نگرشی، گرایش - منشی و کنشی - روشی برخوردار است که هرکدام از آن ساحات (جنبه های عرضی در امتداد با هم)، دارای سطوح (لایه های باطنی طولی و تشکیکی) متعددی می باشد و در سلوک شریعت محورانه به معنای خاص یعنی احکام وضعیه (طهارت و نجاست، صحت و بطلان، مالکیت، زوجیت و...) و احکام تکلیفیه (وجوب = آنچه باید، حرمت = آنچه نباید، استحباب = آنچه بهتر است انجام گیرد، اباحه = آنچه انجام دادن و ترک آن فرقی ندارد و کراهت = آنچه بهتر است انجام نگیرد) که در مراتب بالاتر و والاتر سلوک احکام تکلیفیه پنجگانه به دو حکم وجوب و حرمت تبدیل شده و شریعت گرایی در مراحل سلوک اشتداد یافته و سالک سلوک متشرعانه و متعبدانه بیشتری خواهد داشت و اگر سلوک با شریعت به معنای عام لحاظ گردد که چنین است و شریعت تمامی ابعاد وجودی سالک و اضلاع بینشی، گرایشی و کنشی او را پوشش قرار خواهد داد، در این صورت گناه به معنای عام شامل همه ساحات ها و مراتب سلوکی خواهد شد و سلب گناه در سیر و سلوک را می توان در سه ساحت کلان ذیل بیان و تبیین کرد:

احکامیات (کنشی - رفتاری و روشی)

مثل: سلب میل به گناه از هر نوع آن یا ترک محرمات (محرمات شرعی و شأنی = شان سلوکی، صنفی و مقاماتی دنیوی و آخروی از باب "حسانات الابراسیات المقربین" که به ترک مباحات و مکروهات نیز می انجامد) و طلب و توفیق انجام واجبات و مستحبات که به مراقبه عام، خاص و اخص می انجامد و یکی از مصادیق مراقبت نفس، عدم انس با "نامحرمان" (نامحرمان سلوکی که اعم از مردان و زنان نامحرم هستند. یعنی غافلان) عامل زیربنایی سیر و سلوک به سوی محبوب می باشد. علامه در این زمینه فرمود: "اساس تقوی دو چیز است؛ ۱. ألتعظیم لأمر الله بزرگ شمردن امر خدا ۲. و ألتشفقه علی خلق الله. شفقت و دلسوزی به خلق خدا" (۲۴).

مراحل سلوک سلبی

شنیدی که اهل سلوک گفته اند از مقام "محو" به "محق" و سپس "طمس" می رسی (ر.ک: ۳۲)؟ به تعبیر بزرگمرد عالم سلوک علامه حسن زاده آملی: "جزای فنا فی الله، بقای بالله است" (۲۶). "تجلیه" (تعبد و تقید به شرع) یعنی انسان قوای نفس و اعضای بدن را به انقیاد از دستورات دینی وادار کند و با انجام دادن واجبات و ترک محرمات و در کل با رعایت احکام دینی، به طهارت صوری و ظاهری دست یابد. "تخلیه" (پیراستگی از آلودگی) یعنی انسان با رفع ناپاکی‌های درونی و زدودن رزایل اخلاقی مانند بخل، حسد، خودبینی و غرور و ... زمینه را برای اتصاف به فضایل اخلاقی مستعد نماید. "تحلیه" (آراستگی به پاکی‌ها) یعنی انسان با کسب فضایل اخلاقی به طهارت باطنی دست یابد و جانش را برای فیض‌ها و عطایایی وهبی الهی و مقام فنا مستعد سازد. علامه نیز در مقام پرسش و پاسخ از طهارت ظاهری و باطنی سخن گفت: "سوال: نخستین مرحله تهذیب نفس چیست؟ علامه حسن زاده آملی برای طهارت باطن، نخست باید دوام طهارت ظاهری را حفظ کرد و طهارت بدن را مراعات نمود، اعضاء و جوارح ظاهری باید کنترل شود. زبان آفت بدی است، انسان سالک باید سعی کند زبانش را با عقل بگرداند!

انسان قرآنی بشود. انسان قرآنی کسی است که: لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ، حرف میزند پاک، غذا می‌خورد پاک، می‌بیند پاک، خیالش طاهر، ذکرش، عقلش، قلمش، امضایش، شهادتش، کسب و کارش، همه قرآنی است. چون انسان آنچه را می‌شنود، آنچه را می‌بیند، همه را مس می‌کند و انسان قرآنی کسی است که "لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ". (۲۹) همانگونه که در جای دیگری فرمود: "اگر سالک با اقوال و افعال و اخلاق نیک ملازمت نماید، انوار معارف بر وی ظاهر می‌گردد و حقایق اشیاء گاهی بر وی منکشف شود و از هستی خود بمیرد و به هستی خدای زنده گردد" (۲۱). علامه در قالب ایجابی نیز به محتوای سلبی بصورت دلالت التزامی فرمود: "فکر و ذکر را دو بال مرغ جان ملکوتیت در طیران و عروج به اوج سعادت بدن و بدان که خیالات تو تنها کاری که برای تو کرده این است که تو را از سیر به دیار ملکوت یعنی از «طیران» و «عروج» باز داشته اند. پس خیالات را برای حیوانات بگذار، تو انسانی با عقل و عاقل و معقول باش" (همو، ۱۳۷۱، ص ۵۲) چنانکه: "اگر سالک با اقوال و افعال و اخلاق نیک ملازمت نماید، انوار معارف بر وی ظاهر می‌گردد و حقایق اشیاء گاهی بر وی منکشف شود و از هستی خود بمیرد و به هستی خدای زنده گردد" (۲۷)

اخلاقیات (گرایشی - منشی و تربیتی)

مثل: سلب شهوت و شهرت یا شهوت‌گریزی و شهرت‌ستیزی که با عنوان "مشتهیات الانفس" قابل بیان و تبیین است. (امام خمینی (رض) در توضیح این مطلب می‌نویسد: «اما دلیل بر آن که «فریضه عادل» راجع به علم اخلاق است، توصیف «فریضه» است به «عادل». زیرا که خُلق حَسَن، چنانچه در آن علم مقرر است، خروج از حد افراط و تفریط است؛ و هریک از دو طرف افراط و تفریط مذموم، و «عدالت» که حد وسط و «تعديل» بین آنهاست، مستحسن است» (۳۰). بدین سان ملکات وجودی انسان و اخلاقیات صادق و طاهر سرچشمه فعل و انفعالات سلوکی سالک در سیر بسوی مسلوک الیه خواهد شد (۳۱).



مصادیقی از سلوک سلبی

در سلوک سلبی مواردی وجود دارد که سلب یا مواجهه سلبی با آنها، راز و رمز فتوحات معنوی است که برخی از آنها عبارتند از:

سلب خودگرایی و خودپرستی

در سیر و سلوک رهائی از خودخاکی، من سفلی، خود طبیعی و اثبات هستی برای خود، حجاب سلوکی بوده و راه را به روی رونده بسوی هدف می بندد که در مجامع حدیثی و روایی یا معارف اهل بیته نیز بدان اشاره شده است مثل:

امام کاظم(ع) فرمود: "لِیسَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ حِجَابٌ غَیْرُ خَلْقِهِ إِحْتِجَابٌ بَغَیْرِ حِجَابٍ مَحْجُوبٍ وَاسْتَتَرْتُ بَغَیْرِ سَتْرِ مَسْتَوْرٍ" (۳۳) (میان او و مخلوقاتش جز خلق او حجابی نیست. او در حجاب شده است، بدون آنکه حجابی او را بیوشاند و پنهان شده است بدون آنکه پنهان کننده ای پنهانش ساخته باشد) و امام صادق(ع) فرمود: امام صادق(ع) می فرماید: "بین بنده و خدا هیچ پرده ای تاریک تر و ترسناک تر از نفس و هوی نیست" (۳۴) و امام زین العابدین(ع) نیز در دعای شریف ابوحمزه فرمود:

دین و سلامت، ویژه نامه علامه حسن زاده آملی ۱۴۰۲

«و انّ الرّاحل الیک قریب المسافه»؛ پروردگارا! کسی که به سمت تو بیاید، راهش نزدیک است. عمده، عزم کردن، حرکت کردن و همت گماشتن است. «و آنک لا تحتجب عن خلقک الا ان تحجبهم الأعمال دونک» (۵) علامه حسن زاده نوشته اند: "اگر انسان ها خود را پاک کنند و به آنچه که حق و اصیل است روی آورند، معنای توحید و فنا را می فهمند و موحد میگردند، و توحیدشان بنا بر نهجی میشود که خداوند متعال بدون تنزیه محض و تشبیه باطل در قرآن فرموده است "هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ" خلاف و نزاع از میان برداشته میشود و با اهل معرفت مشاجره نمیکنند که چرا میگویید "ما خدایی را که نمی بینیم عبادت نمیکنیم" (۲۸) و در جای دیگری فرمود: "آن کس که تعلق دارد تا از تعلقات دست نکشد و توحید پیدا نکند به حقایق و شهود آنها راه نمی یابد" (۳۵)

پاکسازی صحنه زندگی از غیر خدا

عارفان در سلوک سلبی به نکته ای نغز و پرمغز اشاره کرده اند که دو مورد آن را ذکر می کنیم: الف) نشانی داده اند اهل خرابات که «التوحید اسقاط الاضافات»

مطلق که اخلاص صدیقان است و از هرگونه آمیختگی پیراسته است؛ با رسیدن به درجه بالای اخلاص، حقیقت آیه «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^(۱) آگاه باشید که دین خالص از آن خداست» در وجود شخص تجلی می یابد و در این حالت، سالک نه خود را می بیند و نه مخلوقات را؛ بلکه فقط در طریق دین و عبودیت گام می نهد (۳۷). چنین شخصی، حتی به اخلاص خود نیز نظر ندارد (۳۸).

الزامات سلوک سلبی

سلوک به سوی خدا، الزامات و شرائطی دارد که در این نوشتار به الزامات سلبی و شرائط منتهی به سلب را طرح و تحلیل خواهیم کرد:

سلوک سلبی ولایی

و چه متقن و محکم علامه حسن زاده آملی مرقوم داشته اند: «عرفان بی ولایت چنان است که گویی عقل بی درایت» (۴۰) زیرا وسائط فیض در همه ساحت ها و سطوح آن ذوات قدسی اند که تکوین و تشریح بواسطه آنان آفریده شده و محقق شد و در منشور جامع شیعی یعنی زیارت جامعه کبیره به این حقایق اشاره شده است. علامه حسن زاده آملی فرمودند (در شرح حدیث نبوی) و توسعه «آل»: «کل تقی و نقی آل» (۸) شما تقی و نقی باشید که صلوات همگان شب و روز عاید شما بشود که: اللهم صل علی محمد و آل محمد و «آل» را مراتب است، از آن آلی که عترتند تا برسد به آن آلی که خوشه چین خرمن آن بزرگان هستند. غرض آن که باید آل و اهل او بود. باید این انتساب محفوظ باشد و الا تا نفس پاک نشده باشد، انسان به جایی نمی رسد (۱۲) و راه ولایت الهیه به روی همگان باز و آدمیان با ظرفیتها و استعدادهای متنوع به سوی آن فراخوان شده اند تا هر فردی به مقدار سعه وجودی و سلوکی اش به مشاهده اسرار عالم بپردازد. که علم به اسرار غیب مخصوص انبیاء نیست و وجود «بدلاء» و «اوتاد» و «خلفاء» و «اقطاب» به زبان عرفانی که در لسان مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام نیز وارد شده است (پیامبر ص فرمود: در امت من همیشه چهل کس بر خُلق ابراهیم باشند و این چهل

(۳۶). استاد علامه حسن زاده آملی نوشته اند: "شب دوشنبه ۲۳ ربیع الاول سال ۱۳۸۷ هجری یکی از اساتیدم (حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی) را در خواب دیدم که رساله سیر و سلوکی را به من داده، فرمود: التوحید ان تنسی غیرالله یعنی: ((توحید این است که غیر خدا را فراموش کنی)). وقتی نزد ایشان رفتم و آن چه در خواب دیده بودم، بیان نمودم فرمود: نشانی داده اندت از خرابات که التوحید اسقاط الاضافات" (۳۶).

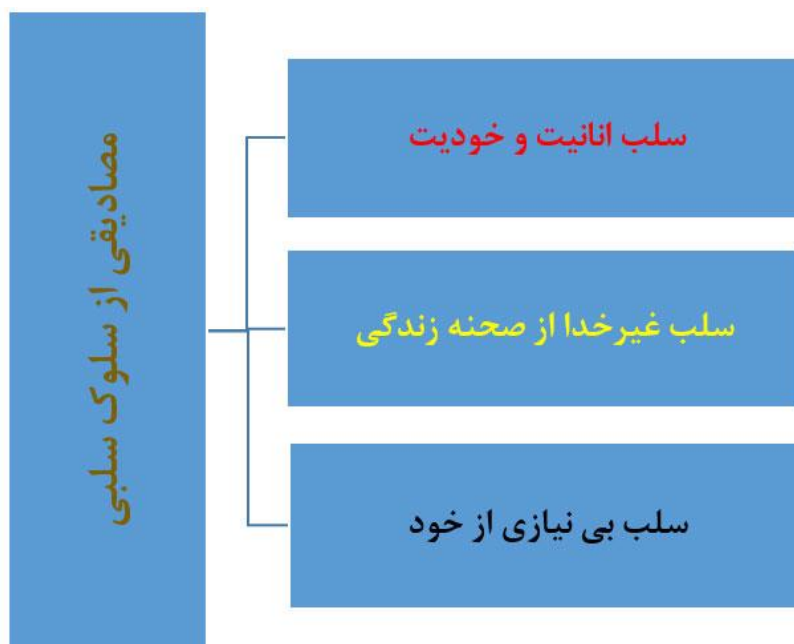
ب) به تعبیر بزرگان اهل معرفت: "لاموثر فی الوجود الا لله" و چه زیبا خدای سبحان فرمود: "رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا" (مزمّل: ۹) در اینجا لازم است اشاره به شرک خفی، "وما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون" (۱) و اینکه بر اساس دیدگاه ابن فناری گناه شرک است نیز داشته باشیم.

سلب بی نیازی از خود

درک و دریافت نیاز ذاتی یا سلب بی نیازی از خود در همه مراتب سلوکی کلید کمال و طریق وصال به حق تبارک و تعالی است که از راه معرفت نفس شهودی قابل درک و دریافت می باشد. اینجاست که سه گانه: "رونده"، "راه" و "هدف"، دو گانه: "راه" و "هدف" شده و در پایان و نهایت سلوکی به یگانه "هدف" تبدیل خواهد شد. آیات فراوانی بر این حقایق دلالت می کنند مثل: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ" (۱) که نیل به توحید افعالی، صفاتی و ذاتی در همین مقوله قابل تبیین است که فنای سه گانه فعلی، صفاتی و ذاتی را در بردارد و سالک در سلوک تا شهود به مقام "موت اکبر" که موت اختیاری است، می رسد.

سلب غیر خدا در سلوک بسوی خدا

مقام اخلاص در سلوک سلبی مقامی منیع و دارای کارکردهای سلوکی بسیار و بلکه حقیقت و روح سلوک تا شهود است. «اخلاص» به معنای خالص کردن، پاک گردانیدن و سالم گشتن از آمیختگی است (۱۷). اخلاص



سطوح آن ذوات قدسی اند که تکوین و تشریح بواسطه آنان آفریده شده و محقق شد و در منشور جامع شیعی یعنی زیارت جامعه کبیره به این حقایق اشاره شده است. علامه حسن زاده آملی فرمودند (در شرح حدیث نبوی) و توسعه «آل»: «کل تقی و نقی آل» (۸) شما تقی و نقی باشید که صلوات همگان شب و روز عاید شما بشود که: اللهم صل علی محمد و آل محمد و «آل» را مراتب است، از آن آلی که عترتند تا برسد به آن آلی که خوشه‌چین خرمن آن بزرگان هستند. غرض آن که باید آل و اهل او بود. باید این انتساب محفوظ باشد و الا تا نفس پاک نشده باشد، انسان به جایی نمی‌رسد (۱۲) و راه ولایت الهیه به روی همگان باز و آدمیان با ظرفیت‌ها و استعدادهای متنوع به سوی آن فراخوان شده‌اند تا هر فردی به مقدار سعه وجودی و سلوکی‌اش به مشاهده اسرار عالم بپردازد. که علم به اسرار غیب مخصوص انبیاء نیست و وجود «بدلاء» و «اوتاد» و «خلفاء» و «اقطاب» به زبان عرفانی که در لسان مبارک پیامبر عظیم‌الشأن اسلام نیز وارد شده است (پیامبر ص فرمود: در امت من همیشه چهل کس بر خلق ابراهیم باشند و این چهل کس «بدلاء» اند و هفت کس بر خلق موسی (ع) بودند و ایشان «اوتاد» اند و سه کس بر خلق عیسی (ع) باشند و

کس «بدلاء» اند و هفت کس بر خلق موسی (ع) بودند و ایشان «اوتاد» اند و سه کس بر خلق عیسی (ع) باشند و ایشان «خلفاء» اند و یک کس بر خلق محمد (ص) باشد و او «قطب» است). ناظر به همین مقام و منزلت سالکان کوی حق و واصلان به لقاء رب است و معنای اینکه «فلان علی مشهد فلان» و «فلان علی مشرب فلان، فلان علی قلب فلان، فلان علی لسان فلان» به تعبیری «کلامی کامل در غایت جودت است» (۴۰) یعنی که: «فیض هر دو از یک جنس می‌رسد» (۳۲) یا در حدیثی وارد شده است که «لا يزال طائفة من امتی ظاهرين علی الحقّ الی أن تقوم الساعة» (۳۲).

الزامات سلوک سلبی

سلوک به سوی خدا، الزامات و شرائطی دارد که در این نوشتار به الزامات سلبی و شرائط منتهی به سلب را طرح و تحلیل خواهیم کرد:

سلوک سلبی ولایتی

و چه متقن و محکم علامه حسن زاده آملی مرقوم داشته‌اند: «عرفان بی‌ولایت چنان است که گویی عقل بی‌درایت» (۴۰) زیرا وسائط فیض در همه ساحت‌ها و

کسی می‌شود میوه‌هایی است که از کمون شجره وجود او بروز می‌کند و اختلاف مزجه را دخلی تمام در واردات و لقاءات و منامات است" (۴۲) و در حدیثی که عامه و امامیه از رسول خدا (ص) نقل کرده اند، حضرت فرمودند: "لولا تکثیری کلامکم و تمریج فی قلوبکم لرأیتما ما ارای و لسمعتما ما اسمع" (۳۹) که پیام اصلی حدیث نبوی مراقبت نفس است و هرکسی از زبان و دل خویش و تمامی اعضای ظاهری و باطنی اش مراقبت کند، به مقام مشاهده حقایق بار می‌یابد. پس مراقبت نفس می‌باید تا سالک تمامی اعمال سلوکی اش را برای خدا و نه کشف و کرامات انجام دهد و این است راز سخن شیخ الرئیس در نمط نهم اشارات که: "من آثارالعرفان للعرفان فقد قال بالثانی" (۴۳). چه خوش فرمود علامه حسن زاده آملی که: "ذغال نمناکی در کنار آتش باید بتدریج مستعد بشود تا آتش در او اثر بگذارد و آتش بگیرد و مشتعل بشود، اگر همینکه مقداری از رطوبت او خشک و تا حدی قابلیت برای آتش گرفتن پیدا کرد، آنرا از آتش دور کنند و هزاران بار با آن چنین کنند، هرگز آن ذغال آتش نمی‌گیرد.

چه حکیمانه علامه حسن زاده آملی فرمودند که: "گوش انسان دهان جان اوست، از این دهان میتوانیم این کتاب (قرآن) را تحصیل کنیم و این قول ثقیل را حمل نماییم و به اسرار آن برسیم. به هر جا رسیده اید این کتاب شما را بالا میبرد. یک آیه برای یک شخص روزنه ای است، همان آیه برای شخص دیگر دروازه ای است. و

ایشان «خلفاء» اند و یک کس بر خلق محمد(ص) باشد و او «قطب» است. ناظر به همین مقام و منزلت سالکان کوی حق و واصلان به لقاء رب است و معنای اینکه «فلان علی مشهد فلان» و «فلان علی مشرب فلان، فلان علی قلب فلان، فلان علی لسان فلان» به تعبیری «کلامی کامل در غایت جودت است» (۴۰) یعنی که: «فیض هر دو از یک جنس می‌رسد» (۳۲) یا در حدیثی وارد شده است که «لا يزال طائفه من امتی ظاهرین علی الحق الی آن تقوم الساعه» (۳۲).

سلوک سلبی مراقبه ای

مراقبه که بمعنای متوجه و ملتفت خود بودن یا کشیک نفس کشیدن است و کشیک نفس کشیدن، کشکی نیست و به تعبیر بزرگان اهل معرفت و مراقبت، عرفان "با مزه کوه کندن است"، و به تعبیر عارفی صمدانی: "تا جان به لب رسید، تاجام به لب رسید" (۳) مراقبت در سه ساحت: ۱- مراقبت قبل از سلوک ۲- مراقبت حین سلوک ۳- مراقبت بعد از سلوک باید حضور بالفعل و ظهور فعال داشته باشد و که سالک مهالک بی شماری را در مسیر سلوک تجربه خواهد کرد و مواجهه اش با هر مهالکه باید با مهالک دیگر متفاوت باشد، بنابراین سالک همواره باید بیدار و هشیار باشد و به تعبیر بلیغ و عمیق قرآنی: "یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم" که شاید یکی از معانی منیع "علیکم انفسکم" (۱). خلاصه این که آنچه در خواب و بیداری نصیب هر



ای و درهم تنیده سالک توحیدی را به سرمنزل مقصود و غایت قصوای معرفت و معنویت سوق و سیر می دهند تا به مقام فنای تام و آنگاه شهود قلبی جمال رب و وجه الله نائل گردد. در این نوشتار به سلب شک، شبهه و شرک در ساحت اعتقادی، سلب مشتبهات انفسی، شهوت، شکم و شهرت طلبی در ساحت اخلاقی و سلب میل به گناه، وقوع در محرمات و مشتبهات و گریز از گناهان شرعی و شأنی(شأن سلوکی) اشاره شده و در طی منازل سلوکی و مراتب متناظر به هر منزل نیز سلب انانیت، غیرخدا و بی نیازی از خدا پرداخته شد و به مسئله دوری از نامحرمان سلوک تا شهود در مقام مراقبه از هر جنسیتی(در واقع نامحرم در اینجا، صرف نامحرم شرعی از جنس مخالف نیست، بلکه نامحرم شأنی و نامحرمان خلوت انس و عرصه سلوک مطرح هست که جنسیت بردار نیست و فراجنسیتی است) یکی از مسائل سلوک سلبی در مکتب سلوکی علامه است نیز اهتمام ورزیده شد. سلوک ولائی و مراقبت سلوکی در تمام مراحل و مراتب نیز از جمله مواردی است که به رشته نوشته درآید.

حمایت مالی

بنا بر اظهار مؤلفان مقاله، این پژوهش حامی مالی نداشته و با هزینه شخصی مؤلفان انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

تمامی اصول اخلاقی مرتبط در این پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع

نویسندگان اعالم میکنند که تضاد منافی در این تحقیق وجود ندارد..

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمام افرادی که در انجام پژوهش مساعدت کردند، کمال تشکر را داریم.

برای دیگری جهانی و برای دیگری جهانی، تا بینش و قابلیت و قوه ی هاضمه کسانی که در این سفره نشسته اند چه اندازه باشد. سفره پهن است و قابلیت و استعداد هم به انسان داده اند که اسباب جمع داری و شما را دعوت هم فرموده اند و دست رد به سینه ی کسی نمی زنند، و کبر و ناز و حاجب و در بان در این درگاه نیست بلکه ناز شما را هم میکشند. به قول کمال اصفهانی:

بر ضیافت خانه فیض نوالت منع نیست
در گشاده ست و صلا در داده خوان انداخته

این ضیافت خانه خدا نوالش همواره وقف عام است خوان انداخته اند و صلا هم در داده اند، چه کسی از روی صدق گفت آدمم و به مقصد نرسید؟ به مجاز این سخن نمی گویم

به حقیقت نگفته ای الله" (۴۴)

نتیجه گیری

مکتب سلوکی علامه حسن زاده آملی(رض)، مکتبی جدای از مکاتب سلوکی عارفان الهی و عالمان ربانی، از جمله عرفان مکتب اخلاقی عرفانی نجف نیست، بویژه آنکه ایشان تحت تربیت سلوکی آیه الله محمدحسن و علامه محمدحسین طباطبایی بود. در نتیجه معرفت نفس، مراقبت نفس و محاسبه نفس از حیث بنیادهای معرفتی و تربیتی و تبعیت کامل از شریعت حقه محمدیه(ص) از حیث باید و نبایدهای سلوکی زیرساخت سلوک ایشان بود و در سلوک متشرعانه، سلوک سلبی یا عدم معصیت در طی مقامات معنوی تا فتوحات غیبی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و این عدم معصیت با نگاه شمولیت سلوکی، شامل همه ساحات و سطوح سلوکی می شد. در مقاله حاضر نیز سلوک سلبی در ساحات و سطوح بینشی- نگرشی(اعتقادیات)، گرایش- منشی(اخلاقیات و تربیت معنوی) و کنشی- روشی(احکامیات، فعل و انفعالات و مناسبات رفتاری) ساری و جاری بود و سلوک سلبی در طول سلوک ایجابی معنادار و سرچشمه برکات معنوی و طی طریقت توحیدی - ولائی است، زیرا سلوک سلبی و ایجابی بصورت منظومه

References

1. Qur'an
2. Sharif Razi AH. Nahj al-Balagha.
3. Hasanzadeh Amoli H. The Divine letter. Bustan Ketab. 2002.
4. Motahhari M. An Introduction to the Qur'an. Sadra. 2020.
5. Qomi A. Mafatih al-Jinan. Fāṭima al-Zahrā. 2002.
6. Tabarsi FH. Majma' al-bayān. Dar Al-Ma'rifa. 1986.
7. Hasanzadeh Amoli H. Persian description of al-asfar al-arba'a Mulla Sadra Shirazi. Bustan Ketab. 2013.
8. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Dar alhya Al-Torath al-Arabi. 1989.
9. Kulayni MiY. Al-Kafi. Tehran. Dar al-Kotob al-Islamiya. 1986.
10. Motahhari M. Sprituality freedom. Sadra. 1999.
11. Motaqi H, Alaoddin A. Kanz al-Ammal fi Sunan al-Aqwal and al-Afaal. Dar al-Kotob al-Elmiya. 2003.
12. Hasanzadeh Amoli H. Description lessons of Al-isharat wa al-tanbihat. Religious press. 2004.
13. Motahhari M. A selection of Philosophical articles. Hekmat Publication. 1987.
14. Fanari H, Mohammad Khajavi. Mola. 1995
15. Farahidi, KhiA. Al-'Ayn. Hejrat. 1989.
16. Raghīb, HiM. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Dar al-Qalam. 1991.
17. ibn Manzūr, Muhammad ibn Mukarram. Lisan al-Arab. Dar Sader. 1995.
18. Ibn Faris A. Sahib al-Jawaib. Daral Ansar Publications. 1993.
19. Hosseini Tehrani MH. Lab al-Lab treatise on the course and conduct of Olwal al-Lab. Mashhad. Allamah Tabātabāi Publications. 2002.
20. al-Tusi NaDin. Awsaf al-Ashraf. Imam Publications. 1983.
21. Hasanzadeh Amoli H. Nosos al-Hikam fi Fusus al-Hikam. Raja Cultural Publishing Center. 1986.
22. Kashani AalR. Sufi terminology. Hekmat Publications. 2003.
23. Hasanzadeh Amoli H. Patrol in motion. Raja Cultural Publishing Center. 2005.
24. Hasanzadeh Amoli H. A thousand and one points. Raja Cultural Publishing Center. 1985.
25. Hasanzadeh Amoli H. Treasure of Gohar Ravan. Toubi Prose Publications. 2007.
26. Hasanzadeh Amoli H. One thousand and one words. Bustan Book. 2005.
27. Hasanzadeh Amoli H. A hundred words in self-knowledge. Qiyam Publications. 1992.
28. Hasanzadeh Amoli H. Meet God. 1996.
29. Badi'eī M. Interview with Allameh Hassanzadeh Amoli. Shi'i Publications. 2001.
30. Imam Khomeini R. Forty Hadith. The Institute for Compilation and publication of the work of Imam Khomeini. 1994.
31. Hasanzadeh Amoli H. Practical Philosophy or Mortazavi ethics. Qiyam Publications. 1995.
32. Hasanzadeh Amoli H. One thousand and one words. Bustan Book. 2001.
33. Qasi Sa'id Qomi M. Description of al-Saduq's Tohid. Publications of the Ministry of Islamic Culture and Guidance. 1994.
34. Qomi A. Seas ship. Oswa. 1995.
35. Hasanzadeh Amoli H. Description lessons of Fusus al-Hikam. Bustan Book. 2008.
36. Shabestari M. Gulshan Raz. Eshraq Publications. 1988.
37. al-Ansari A. Manāzel al-Sā'erīn. Bidar Publications. without date.
38. Meybodi Rashiduddin A. Revealing secrets and the promise of the righteous. Amirkabir. 2014.
39. Tabātabāi MH. Tafsir al-Mizan. Alami Publications Foundation. 2014.
40. Khwarazmi T. Description of Fusus al-Hikam. Bustan Book. 1998.
41. Hasanzadeh Amoli H. Extend motivation fi Description of Fusus al-Hikam. Publications of the Ministry of Islamic Culture and Guidance. 1999.
42. Hasanzadeh Amoli H. Man in the tradition of mysticism. Soroush Publications. 2000.
43. Ibn Sina. Al-isharat wa al-tanbihat. Religious press. without date.
44. Hasanzadeh Amoli H. Human and Qur'an. Alef lam mim. 2004.